

چه عرفا چه چیزا!



ننه نامزدی میشی؟



## یک دیپلمات کاملاً واقعی

جواد در سال ۷۹ هم مانند ۷۸ نقش لیبرال‌ترین دیپلمات محافظه‌کار و محافظه‌کارترین دیپلمات اصلاح‌طلب را بازی کرد. وی در حالی که علیه امپریالیسم شعار می‌داد در جهت حفظ رابطه با انگلیسی‌های عزیز اقدامات مفیدی به عمل آورد. او هم رادیکال بود، هم لیبرال، هم تندرو، هم میانه‌رو و هم کندرو. او یک دیپلمات واقعی بود؛ کاملاً واقعی.

بابا این چه وضعشه...  
باز هم که وزیر امور خارجه  
بلاد فخریه نموند که...!

بایدان بد باش و  
بانیک براون مگو!



## جنون مزمن گاوی

جنون گاوی یکی از بیماریهایی بود که درست است که غرب به تازگی به آن دست یافته و با آن آشنا شده است، اما ما سالهاست که آن را می‌شناسیم و به آن اطمینان داریم. شاید به همین دلیل بود که مردم ما در سال گذشته مثل بسیاری از اروپایی‌های سوسول و تازه به دوران رسیده هیچ مشکلی در مصرف گوشت گاو و یا مواجهه با انواع مختلف گاوها - دارای جنون یا ظاهراً سالم - نداشتند.

www.KetabFarsi.com



## باب مفاعله

جواد لاریجانی در سال ۷۹ نیز همچون سال‌های گذشته به باب «مفاعله» مشغول بود، وی با محافظه کاران «مصافحه» و «معانقه» می‌کرد و با چپ‌ها «مقابله» و «مدافعه» می‌کرد. در «معادله» سیاسی درگیر «مذاکره» و «مصاحبه» بود و در حوزه سیاست خارجی به «معامله» و «مبادله» می‌پرداخت.



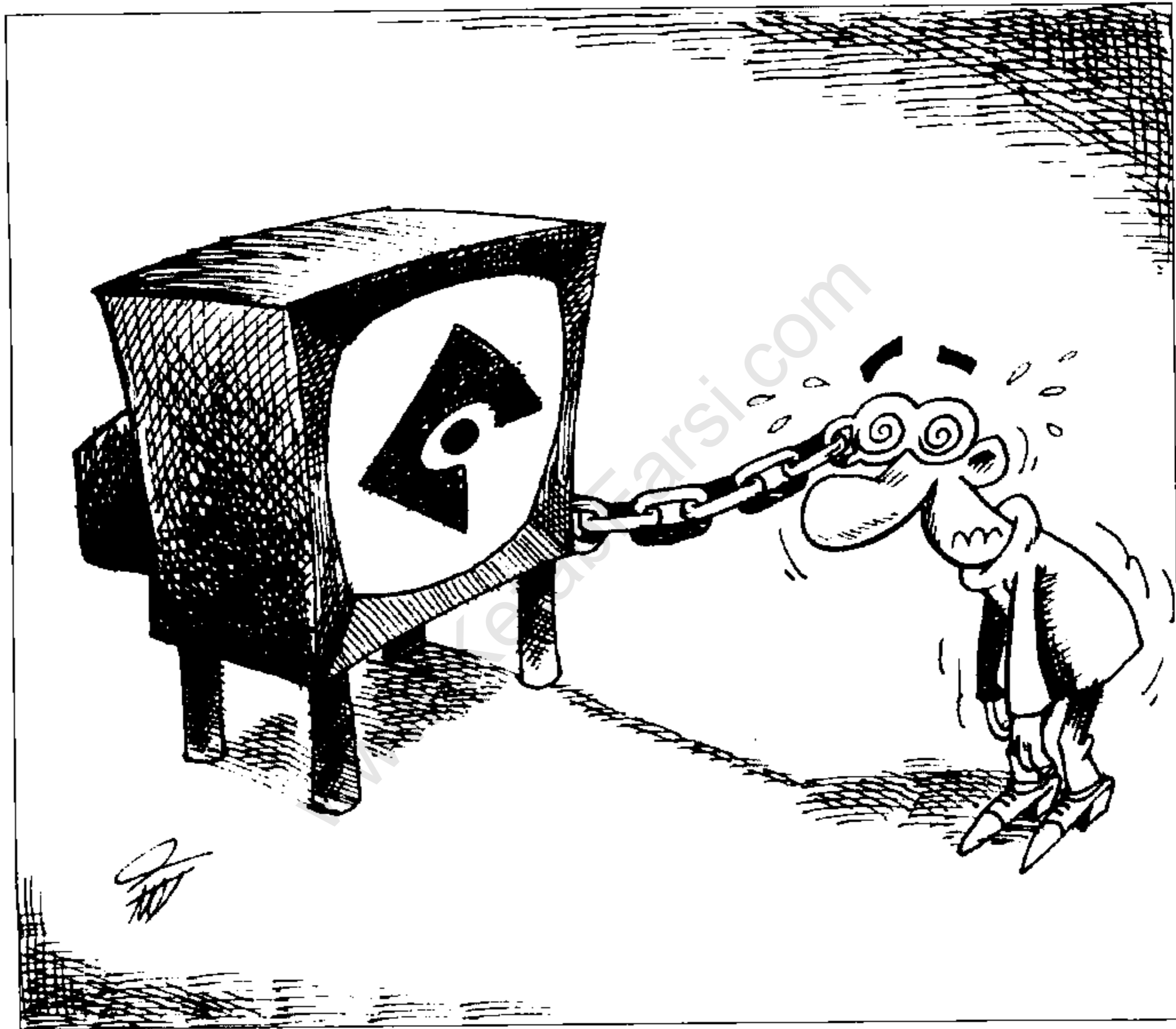
## شعر

عینکی بر چشم من بنهاده دوست  
آنچه خاطرخواه یار جانی است

می‌نماید آنچه خاطرخواه اوست  
آنچه باب طبع لاریجانی است

در سال ۷۹ مانند سال قبل از آن و سال بعد از آن صدا و سیما اقدام به نمایش تصاویر و برنامه‌هایی کرد که مورد دلخواه مردم بود، مردم هم مجبور شدند برای فرار از تصاویر زشت و نفرت‌انگیز ماهواره تمام آن برنامه‌ها را از اوّل تا آخر تماشا کنند.





**حقیقت، با فشار**

یکی از مشخصات صدا و سیما در سال ۱۳۷۹ که چندان تفاوتی با سال‌های قبل نداشت این بود که مردم در صدا و سیما با همه چیز موافق بودند.



## ایران، آلمان و کنفوسیوس حکیم

روابط ایران و آلمان در دی ماه - همزمان با دادگاه کنفرانس برلین - برای چندمین بار به هم خورد. ایرانی‌ها با صدای بلند گفتند: آلمانی‌ها حق دخالت در مسائل ایران را ندارند. آلمانی‌ها با صدای بلند گفتند: ایرانی‌ها نباید تشنج در روابط ایجاد کنند. ایرانی‌ها آهسته گفتند: آلمانی‌ها روابط را به این سادگی به هم نمی‌زنند. آلمانی‌ها آهسته گفتند: اینا همیشه شلوغ می‌کنن، اما وقتی ماجرا جدی شد کوتاه می‌آن.

□□□

«و زندگی ادامه داد»

«کنفوسیوس حکیم»

ننه جون! چچا می شه «شهرور» از «رابین کوک» یاد می گرفت؟  
آخه به چه زبونی باید به این آلمانی ها حالی کرد که نباید بیان اینجا بیاید!



DF

## بی‌سر و صدا کار کنید

مهم‌ترین انتقادی که از سوی بسیاری از سیاستمداران در مورد اظهارات بهروز افخمی نماینده تهران در مجلس مطرح می‌شد این بود که او چرا کاری را که باید به آرامی انجام دهد، با سر و صدا انجام می‌دهد. اساساً در سال ۷۹ اوضاع اینطور بود که همه ترجیح می‌دادند در مورد کارهایی که قرار است انجام بدهند حرف نزنند.

آقای افغانی! شما تجربه ندارید...  
اگر می‌تفستید، بچه‌ها تون می‌خوان بدن  
مذاکره کنن، آب از آب تگون نمی‌خورد! 🤔



→ خاطرات من و نیک!

## GHAR \_ O \_ GHATI

یکی از مسائل مهم در این مملکت این است که همیشه یا قیر نیست، یا قیف نیست یا مأمور مربوط به مرخصی رفته است. در پی این اظهار نظر اساسی موارد زیر مشاهده شده است:

(۱) هر گاه سیاست‌های اقتصادی دولت در جهت نزدیکی به غرب جریان پیدا می‌کند، جریان ضداستعماری در مردم اوج می‌گیرد و همه ضدامپریالیست می‌شوند.

(۲) هر گاه دولت به سمت سازندگی و فعال شدن سرمایه‌های اقتصادی حرکت می‌کند، سرمایه‌داران بیخودی می‌افتند زندان.

(۳) هر گاه دولت به طرف طرح مسائل سیاسی و فرهنگی می‌رود معلوم می‌شود که مشکلات اقتصادی خیلی مهم است.

□□□

با نزدیک شدن فصل انتخابات صدا و سیما به طرح جدی مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور پرداخت.





## اقتصاد و ۷۹

پس از تعطیلی مطبوعات توجه به مشکلات اقتصادی رونق گرفت. در این میان دو گروه متخصص نظراتی کمابیش متضاد و مشابه داشتند:

(۱) گروه اول معتقد بودند اوضاع اقتصادی کشور بسیار خراب است و خاتمی توانایی حل مشکلات اقتصادی را ندارد، اما گروه دوم معتقد بودند که درست است که اوضاع اقتصادی کشور بسیار خراب است، اما خاتمی توانایی حل مشکلات اقتصادی را ندارد.

(۲) گروه اول معتقد بودند که درست است که مشکلات اقتصادی کشور قبل از خاتمی وجود داشت، اما این مشکلات بعد از خاتمی هم ادامه پیدا کرد، در حالی که گروه دوم معتقد بودند مشکلات اقتصادی خاص دولت خاتمی نیست، بلکه قبل از دوره خاتمی هم وجود داشت.

(۳) گروه اول معتقد بودند که مشکلات اقتصادی کشور ساختاری است، در حالی که گروه دوم معتقد بودند که ساختار اقتصادی کشور مشکل دارد.

(۴) گروه اول معتقد بودند که خاتمی از حل مشکلات اقتصادی کشور ناتوان است در حالی که گروه دوم معتقد بودند «از حل مشکلات» غلط است، بلکه خاتمی در حل مشکلات کشور ناتوان است.

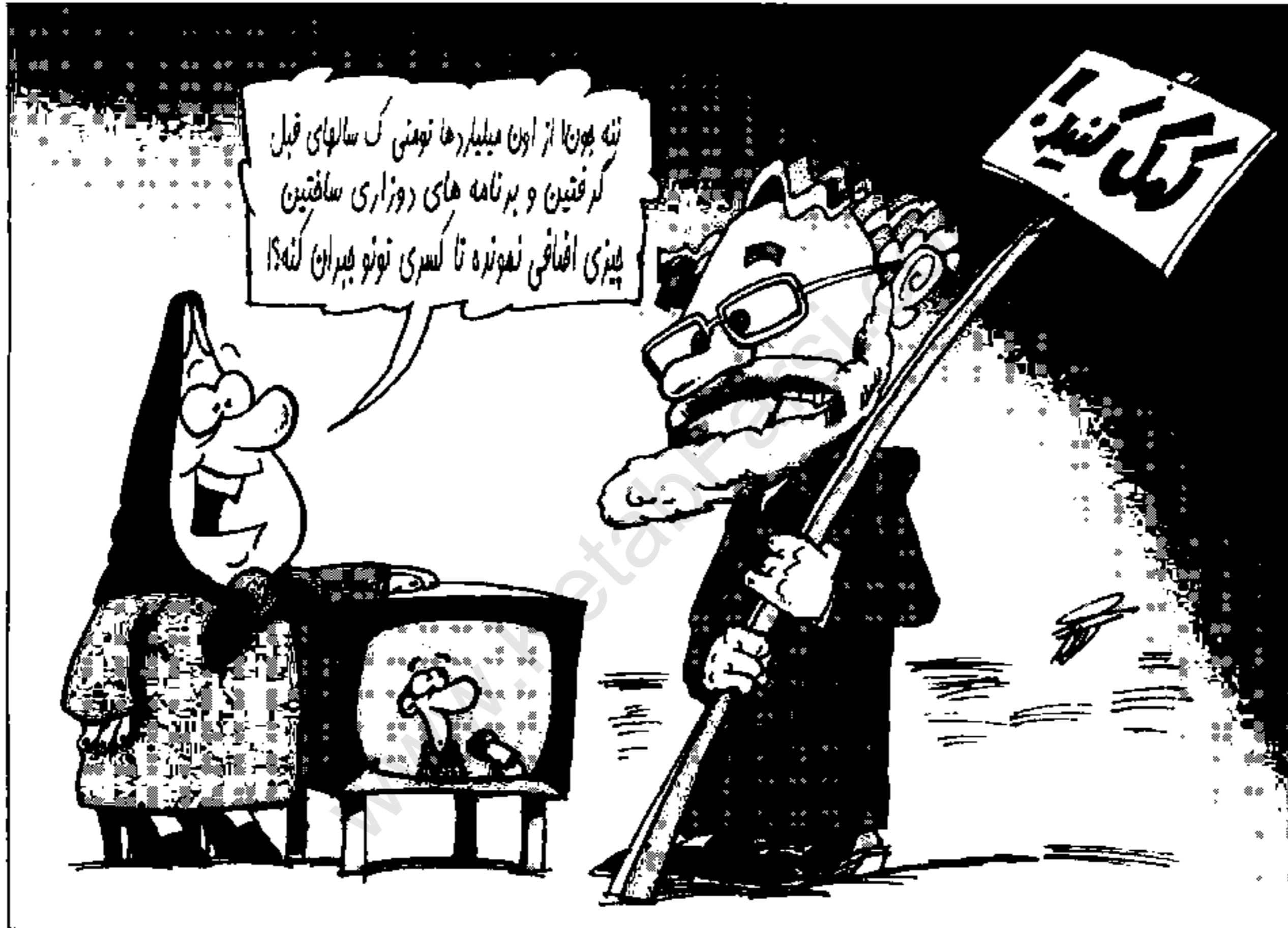
(۵) گروه اول معتقد بودند که تنها مشکل مملکت مشکل اقتصادی است، گروه دوم معتقد بودند که اصلاً مشکل اقتصادی نداریم.

نظر شما در باره فقر و  
مشکلات اقتصادی و ...  
که تصادفاً در ۳ سال اخیر  
اتفاق افتاده و قبلاً اصلاً  
اینجوری نبوده، چیه؟



## به من بی بودجه کمک کنید

با جدی شدن بحث بودجه صدا و سیما در مجلس مردم با بحران شدیدی مواجه شدند. آنها ناگهان دریافتند که ساختن هر برنامه تلویزیون اعم از اینکه بد باشد یا مزخرف باشد، نیازمند بودجه کلان است. آنها از خودشان سؤال کردند که چرا باید تلویزیون برنامه‌هایی بسازد که مردم دوست نداشته باشند، مسئولان هم از آن خوششان نیاید، خود سازندگان آن برنامه هم ناراضی باشند، ضمناً احتیاج به پول هم داشته باشد. در پی این امر بود که احتمال ایجاد بحران در تولید برنامه‌های تلویزیون پیش آمد. مردم شب‌ها خوابشان نمی‌برد، چون تصور می‌کردند که خدای نکرده اگر کیفیت برنامه‌های صدا و سیما که نمی‌بینند کمی اُفت کند و مدت برنامه‌هایی که تماشا نمی‌کنند کمی کاهش یابد چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد. در این ماجرا مسئولان صدا و سیما از همه مظلوم‌تر بودند. آنها موضوعی برای تهدید مردم و مسئولان نداشتند. لاریجانی می‌دانست که اگر استعفا بدهد مردم خوشحال می‌شوند، اگر از زمان برنامه‌ها کم بشود مردم خوشحال می‌شوند، اگر برنامه‌ها قطع شوند باز هم مردم خوشحال می‌شوند. روزهای سختی بر لاریجانی می‌گذشت....



## قبل از دوّم خرداد، بعد از دوّم خرداد

در سال ۱۳۷۹ اتفاقات بامزه زیادی افتاد که در سال‌های قبل از آن نمی‌افتاد، مثلاً:

- اگر تا قبل از دوّم خرداد کسی به رئیس جمهور می‌گفت بی عرضه یا ناتوان، او را سه چهار بار تکه تکه می‌کردند و بعد با او کتلت درست می‌کردند، امّا در سال ۷۹ اگر کسی همین حرف را می‌زد به او وام می‌دادند یا خانه می‌گرفت.
- اگر تا قبل از سال ۷۹ کسی به یک نماینده مجلس می‌گفت چرخ پژوی شما پنجر است ماشینش را سرویس می‌کردند، امّا اگر در سال ۷۹ کسی نمایندگان مجلس را خائنین پژوسوار پرشیامدار نمی‌دانست او را سوار ژبان قراضه می‌کردند و در شهر می‌گرداندند.
- تا یک سال قبل کلیه برنامه‌های تلویزیون بد و مبتذل بود، امّا از زمانی که تلویزیون تصاویر مبتذل برلین را پخش کرد کلیه کارهایی که می‌کرد مورد تأیید قرار گرفت و کاملاً مامانی محسوب شد.

تنه چون ا حالا آگهی پفش کردن زیاری  
فلاف شد پس اسم اون چیزایی که قبل از دوم فردار  
پفش می کردی چی بود؟!



## بودجه صدا و سیما

پسر: بابا جون! یعنی می‌شه بودجه تلویزیون کم بشه؟

پدر: چرا نمی‌شه پسرم. اگر خدا بخواد می‌شه.

پسر: یعنی دیگه این برنامه‌ها ساخته نمی‌شه؟

پدر: آره پسرم، نون که توی تلویزیون نباشه دیگه آره و عوره و شمسی کوره نمی‌رن اونجا حرف بزنن.

پسر: پس راحت می‌شیم؟

پدر: بگو انشاءا....

□□□

این گفت‌وگو صبح روز ۱۳ دی ماه ۱۳۷۹ پشت پنجره آشپزخانه منزلی در حوالی نازی آباد شنیده شد.



